
عوامل فروپاشی تمدن ثمود از نگاه قرآن و تطبیق آن با تمدن غرب

علی پارساخصال^۱

چکیده

یکی از اقوامی که از آن‌ها در قرآن نام برده شده است قوم ثمود است. قوم ثمود تمام ویژگی‌های یک تمدن عظیم و قدرتمند را دارا بودند. آنان دارای خانه‌هایی ایمن و محکم، کشاورزی و زراعت پر رونق، جمعیت زیاد، ثروت فراوان و قدرت قابل توجهی بودند. با وجود تمام این مؤلفه‌ها، قوم ثمود دچار زلزله و نهایتاً سقوط و نابودی به وسیله عذاب الهی گردید. از جمله عوامل افول تمدن ثمود که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است می‌توان به ظلم، کفران نعمت، تکذیب حجت خداوند (حضرت صالح) و طغیان و سرکشی آنان اشاره نمود. از آن جایی که سنت‌های الهی ثابت و تکرارپذیر می‌باشند، این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با تطبیق علل زلزله و سقوط تمدن ثمود بر غرب و به خصوص آمریکا می‌توان افول این تمدن‌ها را همانگونه که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره فرموده‌اند، پیش‌بینی نمود.

کلیدواژه‌ها: قوم ثمود، بیانیه گام دوم، تمدن غرب، قرآن

۱. علی پارساخصال، کارشناسی ارشد علوم حدیث. دانشگاه قرآن و حدیث
parsakhesal_ali@yahoo.com

مقدمه

انسان‌ها به دلیل این که ذاتاً موجوداتی اجتماعی هستند در طول تاریخ به صورت جمعی زندگی می‌کردند. این زندگی جمعی در کنار پیشرفت دانش بشر رفته رفته باعث به وجود آمدن سکونتگاه‌های دائمی و شکل‌گیری تمدن‌های مختلف گردید. هر کدام از این تمدن‌ها دارای سرگذشتی متفاوت و فراز و فرودهایی بودند و هرکدام از آن‌ها پس از مدت زمانی کوتاه یا طولانی از بین رفتند. با دقت در عوامل سقوط تمدن‌ها می‌توان علل مشترکی را در این زمینه پیدا کرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بر اساس یافتن علل مشترک سقوط تمدن‌ها و دقت در آن‌ها می‌توان آینده و احتمال تزلزل و سقوط تمدن‌ها و حکومت‌های فعلی را پیش‌بینی نمود.

یکی از تمدن‌هایی که از آن در تاریخ یاد شده است تمدن قوم ثمود است. خداوند، حضرت صالح علیه السلام را برای هدایت و راهنمایی این قوم مبعوث فرمودند اما در نهایت سرکشی و طغیان قوم ثمود موجب هلاکت آن‌ها و عذاب الهی گردید. از آنجایی انحرافات و اشتباهات قوم ثمود در بسیاری از موارد توسط تمدن غرب تکرار شده است، در این پژوهش به بررسی علل تزلزل و سقوط این قوم از نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با تمدن غرب پرداخته شده است. تا کنون اکثر تحقیقاتی که به احتمال فروپاشی تمدن غرب پرداخته‌اند این پدیده را از بعد جامعه‌شناسی بررسی نموده و کمتر از بعد تاریخی و تکرار تجربه تمدن‌های گذشته به آن پرداخته‌اند. اطلاعات این پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و برای نگارش آن از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در این پژوهش پس از ذکر پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده با موضوع قوم ثمود، ابتدا به بیان تاریخچه‌ای از قوم ثمود با استفاده از آیات قرآن، احادیث و تاریخ پرداخته شده است. سپس با برشمردن علل فروپاشی تمدن ثمود این عوامل با وضعیت فعلی تمدن غرب تطبیق و مقایسه شده است. در انتها و در بخش نتیجه‌گیری با توجه به مطابقت عوامل فروپاشی تمدن ثمود با تمدن غرب، افول و فروپاشی تمدن غرب نتیجه‌گیری شده است.

۱. پیشینه

کتاب "ثمود (باستان‌شناسی قوم یهود)" واندن براندن؛ ترجمه محمدحسین مرعشی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۶، ۱۸۶ صفحه. در این کتاب سنگ نگاشته‌های قوم ثمود، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

پایان نامه «بررسی تطبیقی قوم عاد و ثمود در قرآن، کتاب مقدس و منابع تاریخی» از یحیی فاضل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم سال ۱۳۸۹. در فصول پنج‌گانه این پژوهش به شکل مفصل به بیان و بررسی داده‌های قرآنی و تاریخی پرداخته شده که علاوه بر ثمرات اخلاقی و عبرت آموزی که هدف اصلی قرآن است، صحت داستان‌های قرآن بر اساس اسناد و مدارک و آثار باستان‌شناسی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مقالاتی که در این زمینه چاپ شده عبارت است از:

«بررسی مدارک باستان‌شناسی مدائن صالح»، لاله روح انگیز؛ مجله بینات، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۵۱ (از صفحه ۱۶۶ تا ۱۸۰)

«ثمود»، بهار دوست، علیرضا، گاهنامه دانشنامه جهان اسلام، سال ۱۳۸۴. شماره ۹ از صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۷)

«قوم ثمود و سرگذشت آنان»، فرج‌اللهی، فرج‌الله، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، مهر ۱۳۸۷ - شماره ۵۶۹ (از صفحه ۳۴ تا ۳۹)

«داستان قوم ثمود در قرآن و یافته‌های جغرافیایی معاصر»، طباطبائی امین، طاهره سادات، شجاعی، زینب؛ فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۳ (از صفحه ۷۵ تا ۹۷)

۲. مفهوم‌شناسی

ثمود

راغب ثمود را از ریشه ثمد می‌داند و در توضیح معنای ثمد می‌نویسد: «چاله‌ای که آب

باران در آن جمع می‌شود و به زمین فرو می‌رود. گفته شده این واژه غیر عربی و نیز گفته‌اند عربی است چون نام قبیله‌ای است غیر منصرف است و صرف نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۶)

همچنین خلیل ابن‌احمد فراهیدی در کتاب العین، در معنای ثمد می‌نویسد: «آب باقی در زمین هموار و سخت یا آب کمی که در زمستان ظاهر و در تابستان خشک شود.» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۰/۸)

در وجه تسمیه این قوم به ثمود طریحی می‌نویسد: «ثمود قبیله‌ای از اعراب اولیه و قوم حضرت صالح علیه السلام بودند. و حضرت صالح علیه السلام از نسل ثمود بود. بدین جهت این قوم به نام جد بزرگشان ثمود بن عاثر بن آدم بن سام ابن نوح نامگذاری شدند.» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۱۹)

همچنین گفته‌اند ثمود به این نام خوانده شدند زیرا آب برایشان کم بود و مسکن ایشان، در حجر میان حجاز و شام تا وادی القری بود. (کبیر مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۵/۲۵۷)

قوم ثمود در قرآن

کلمه ثمود ۲۶ مرتبه در قرآن آمده است. آنان قومی بت پرست بودند که جز عده معدودی، بقیه به پیامبرشان، حضرت صالح (علیه السلام) ایمان نیاوردند و ناقه صالح را که معجزه این پیامبر بود پی کردند و به عذاب خداوند نابود گردیدند.

داستان قوم ثمود بیشتر در سوره‌های " شعراء"، " قمر" و " شمس" و از همه جا مشروح‌تر در سوره " هود" آمده است.

در قرآن به زمان زندگی قوم ثمود اشاره نشده، اما آنان جانشینان قوم عاد معرفی شده (اعراف: ۷۴) و در یادکرد اقوام و پیامبران پیشین داستان آنان پس از قوم عاد آمده است. (اعراف: ۷۳ - ۶۵) (هود: ۶۱ - ۵۹) (شعرا: ۱۴۱ - ۱۲۳) (ذاریات ۴۳ - ۴۱) (قمر ۲۳ - ۱۸) (فجر ۹ - ۶) برخی از قوم ثمود با تعبیر «عاد الآخره» یاد کرده‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۶،

داستان قوم ثمود در تورات نیامده، اما یافته‌های باستان‌شناسان وجود آنان را در مناطق شمالی شبه جزیره عربستان تأیید می‌کند. (موسی، ۱۹۸۰: ۵۷-۵۶)

خلاصه‌ای از داستان حضرت صالح علیه السلام و قوم ثمود

قوم ثمود بت پرست بوده و هفتاد بت داشتند. حضرت صالح هنگامی به سوی قوم خود مبعوث شد شانزده ساله بود و آن قدر در میان آن‌ها ماند که صد و بیست سال از عمرش گذشت و در طول این مدت جز معدودی دعوتش را اجابت نکردند. حضرت صالح نهایتاً به آن‌ها پیشنهاد داد که یا چیزی از من بخواهید تا من از خدای خود درخواست کنم تا آن را انجام دهد، و یا من از خدایان شما چیزی بخواهم. پس اگر خدایان شما خواسته مرا دادند من از میان شما می‌روم. قوم ثمود این پیشنهاد را پذیرفتند و روزی را تعیین کردند و با بت‌هایشان به میعاد آمدند. ابتدا حضرت صالح بت‌های آنان را خواند ولی هیچ پاسخ و استجابتی صورت نگرفت. سپس نوبت به قوم ثمود رسید. هفتاد نفر از بزرگان و سران آن‌ها پیش آمدند و به حضرت صالح گفتند: از پروردگار خود بخواه یک شتر ماده که ده ماه از عمرش گذشته باشد از این کوه برای ما بیرون آورد. حضرت صالح از خداوند تقاضای این معجزه را کرد و به فرمان خداوند آنچه خواسته بودند اتفاق افتاد. مردم که این معجزه را دیدند گفتند: اکنون از پروردگارت بخواه که بچه این شتر را هم بیرون آورد، حضرت صالح از خدای عز و جل درخواست کرد، و ناگاه دیدند که شتر بچه خود را بیرون انداخت، و آن بچه به دور مادرش شروع به چرخیدن کرد. (ن. ک. کلینی، ۱۴۰۷: ۸/ ۱۸۷-۱۸۵) سپس خداوند به حضرت صالح علیه السلام وحی فرمود: که به قومت بگو: خداوند یک روز برای این شتر حق آشامیدن قرار داده و یک روز هم برای شما و این چنین بود که هر روز نوبت آشامیدن آب حق شتر بود مردم همگی در آن روز آن شتر را می‌دوشیدند و همه از آن می‌نوشیدند و فردای آن روز به سراغ آب می‌رفتند و دیگر شتر در آن روز از آب نمی‌خورد. تا این که قوم ثمود نسبت به خدا سرکشی و طغیان کردند و تصمیم بر پی کردن شتر گرفتند. وقتی شتر را پی کردند، خداوند به حضرت صالح وحی فرستاد که به مردم بگو: من تا سه روز دیگر عذاب خود را بر آن‌ها

می فرستم و اگر در ظرف این سه روز توبه کرده و بازگشتند من عذابم را از آن‌ها برمی دارم و اگر توبه نکنند روز سوم عذاب بر ایشان می فرستم. حضرت صالح پیام خداوند را ابلاغ کرد اما قوم ثمود لجاجت کرده و توبه نکردند و پس از سه روز عذاب الهی آنان را فراگرفت. (ن. ک. کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۸۹ - ۱۸۷)

تمدن ثمود

قوم ثمود در مؤلفه‌های تمدنی بسیاری قدرتمند بوده‌اند. آن‌ها به روش‌های ساخت خانه آگاهی داشتند و در تراش دادن سنگ کوه‌ها و بریدن صخره‌ها نیز استاد بودند. آنان با این مهارت‌ها برای خود بر روی زمین قصر و در دل کوه، خانه‌هایی ایمن می ساختند.

آیاتی از قرآن کریم به این مطلب اشاره دارد:

بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا (اعراف: ۷۴)؛ در زمین، جایی به شما بخشید که از مکان‌های هموارش برای خود قصرها بنا می کنید، و از کوه‌ها خانه‌هایی می تراشید.

وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَآرِهِينَ (الشعراء: ۱۴۹)؛ و ماهرانه و هنرمندانه از کوه‌ها خانه‌هایی می تراشید.

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ (الحجر: ۸۲)؛ و همواره از کوه‌ها خانه‌ها می تراشیدند درحالی که ایمن بودند.

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (الفجر: ۹) و قوم ثمود که صخره‌های عظیم را از دره می بریدند.

از نظر کشاورزی نیز قوم ثمود سطح بالایی داشتند و دارای باغ‌ها، چشمه‌ها، کشتزارها و نخلستان بودند. در سوره شعرا از زبان حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود چنین آمده است:

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٍ (الشعراء: ۱۴۹ - ۱۴۶)؛ آیا پندارید که شما را در این نعمت‌ها، در باغها و چشمه‌سارها و کشتزارها و نخلها با آن شکوفه‌های نرم و لطیف ایمن رها می کنند؟

همچنین جمعیت، مال و قدرت زیادی نیز داشتند. خداوند متعال در سوره توبه

منافقان را توبیخ می‌کند و سرنوشت اقوامی نیرومندتر و با اموال و جمعیت بیشتر مانند ثمود را به آنان یادآوری می‌نماید:

(كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا) (توبه: ۶۹)؛ مانند کسانی هستید

که پیش از شما بودند آنان از شما نیرومندتر و اموال و فرزندانشان بیشتر بود.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ (توبه: ۷۰)؛ آیا خبر کسانی که پیش از

آنان بودند به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود.

مجموعه این ویژگی‌ها و امتیازات باعث شد که آنان توانستند به درجه‌ای از رشد برسند

که جمعیت انبوهی در یک جا گرد آیند و بر اساس قوانین و آداب و سنت‌های مشخص با هم زندگی کنند و اصطلاحاً شهرنشین شدند:

وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ (نمل: ۴۹)؛ و در آن شهر، نه دسته (سر دسته) بودند.

۳. علل تزلزل و سقوط تمدن ثمود و تطبیق آن با تمدن غرب

قبل از پرداختن به علل تزلزل و سقوط تمدن ثمود لازم به تذکر است که اصول و قوانین کلی همواره در تاریخ تکرار می‌شوند و حوادث تاریخی پیرو قوانین علی و معلولی هستند و مختص زمان و مکان خاصی نیستند. بنابراین می‌توان با آگاهی از این قوانین و سنت‌ها، عوامل و سقوط هر تمدن یا پایداری آن را پیش‌بینی کرد. ما در این جا به ذکر علل تزلزل و سقوط تمدن قوم ثمود و تطبیق آن با تمدن غرب می‌پردازیم:

۱.۳. ظلم

ظلم از نظر لغت به معنای قرار دادن چیزی در غیر از جایی است که مخصوص آن است. همچنین تجاوز از حق را ظلم گویند، چه این تجاوز زیاد باشد یا کم؛ بنابراین برای گناه بزرگ و کوچک به کار می‌رود. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۳۷) اما در اصطلاح قرآن شامل هرگونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود قوانین حاکم بر فرایند تکامل موجود است یا انجام هر نوع عملی که مغایر وضعیت صحیح یا حرکت و تغییر تکاملی پدیده‌هاست.

(پایدار، ۱۳۵۶: ۵۸)

در قرآن کریم مصادیقی برای ظلم ذکر شده است. از جمله این مصادیق می‌توان به دست‌اندازی به مال مردم (یوسف: ۷۵)، بازداشتن دیگران از راه خدا (الاعراف: ۴۴ و ۴۵)، اطاعت از کفار (التوبه: ۲۳)، شرک به خدا (لقمان: ۱۳)، حکم کردن بر خلاف دستور الهی (المائده: ۴۵)، افترا به خدا (ص: ۷)، تکذیب آیات الهی (الانعام: ۱۵۷) و تجاوز از حدود الهی (البقره: ۲۲۹) اشاره کرد.

نابودی و انقراض تمدن‌ها به وسیله عذاب الهی یکی از سنت‌های الهی و از پیامدهای ظلم می‌باشد. خداوند متعال در سوره اعراف با اشاره به اعتراف ظالمین هنگام فرارسیدن عذاب می‌فرماید:

وَ كَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا نَبِئَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (الاعراف: ۴ و ۵)؛ چه بسیار شهرهایی که اهلش را هلاک کردیم و عذاب ما درحالی‌که شب یا نیم روز در استراحت و آرامش بودند، به آنان رسید. زمانی که عذاب ما به سویشان آمد، اعترافشان جز این نبود که گفتند: قطعاً ما ستمکار بوده‌ایم.

و در سوره انبیاء با اشاره به تکرار این سنت الهی می‌فرماید:

وَ كَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (الانبیاء: ۱۱)؛ و چه بسیار از شهرهایی که [اهلش] ستمکار بودند، درهم شکستیم، و پس از آنان قومی دیگر پدید آوردیم.

همچنین در سوره قصص آمده است:

وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلَهَا ظَالِمُونَ (القصص: ۵۹)؛ و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آن‌که در مرکز آن‌ها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند، و ما نابودکننده شهرها نبوده‌ایم مگر درحالی‌که اهلش ستمکار بوده‌اند.

یکی از صفاتی که خداوند متعال، قوم ثمود را به آن متصف فرموده است ظلم است. هم ظلم نسبت به دیگران، هم ظلم نسبت به خداوند با آزار حضرت صالح عليه السلام و کشتن

معجزه‌اش یعنی شتر ماده و هم ظلم به خود با نپذیرفتن حق که نهایتاً منجر به عذاب الهی ایشان گردید. وقتی در سوره هود خداوند خبر از عذاب قوم ثمود می‌دهد این چنین می‌فرماید:

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِمِينَ (هود: ۶۷)؛ و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه فروگرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند.

همچنین در سوره ابراهیم خداوند سرنوشت اقوامی مانند قوم نوح، عاد و ثمود را یادآوری می‌نماید و از آنان با عنوان ظالمین یاد می‌فرماید:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (ابراهیم: ۱۳)؛ و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر این که به کیش ما بازگردید.» پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد.

و در نهایت در سوره اسراء از ظلم به معجزه الهی سخن به میان می‌آید:

وَ آتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (الاسراء: ۵۹)؛ و به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود، و به آن ستم کردند، و ما معجزه‌ها را جز برای بیم دادن نمی‌فرستیم.

همان‌طور که ذکر گردید ظلم یکی از اساسی‌ترین علل نابودی تمدن‌ها و حکومت‌هاست. به‌طور مثال، می‌توان به نابودی رژیم پهلوی اشاره کرد. ظلم و بی‌عدالتی گسترده، یکی از مهم‌ترین دلایل نفرت و خشم مردم از این رژیم بود. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب با بیان بخشی از ظلم و بی‌عدالتی در رژیم گذشته فرمودند:

در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. (<https://farsi.khamenei.ir/message->

با توجه به این به بررسی برخی از مصادیق ظلم در تمدن غرب می‌پردازیم:

الف) ظلم به حقیقت انسان: از جمله مهم‌ترین ظلم‌هایی که فرهنگ غربی در حق بشریت مرتکب شده است، از بین بردن و کم‌رنگ کردن خداشناسی و معنویت و جایگزین کردن انسانگرایی و مادیگرایی به جای آن است. تمدن غرب با ابزار مختلف اعم از هنر، اقتصاد، سیاست و... انسانی که می‌توانست با استعدادهای فطری خود و به مدد راهنمایی‌های الهی توسط انبیا به قله‌های کمال برسد را به موجودی لذت‌گرای محض، پوچ و بدون هدف تبدیل کرده است. شهید مطهری رحمته‌الله در این باره می‌نویسد:

در فلسفه غرب تا آن‌جا که ممکن بوده به حیثیت ذاتی انسان لطمه وارد شده و مقام انسان پایین آمده است. دنیای غرب از طرفی انسان را از لحاظ پیدایش و عللی که او را به وجود آورده است، از لحاظ هدف دستگاه آفرینش درباره او، از لحاظ ساختمان و تاروپود وجود و هستی‌اش، از لحاظ انگیزه و محرک اعمالش، از لحاظ وجدان و ضمیرش، تا این اندازه او را پایین آورده. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۹/۱۵۱)

ب) ظلم به شخصیت زن: یکی دیگر از مصادیق ظلم در غرب، ظلم به زنان است. فرهنگ و تمدن غرب به خاطر استفاده از جاذبه‌های جنسیتی زن، شان او را به‌عنوان وسیله‌ای برای لذت مردان تنزل داده است و با شعارهایی در ظاهر زیبا نظیر آزادی، زن را به بردگی عظیمی گرفتار کرده است. رهبر معظم انقلاب در این مورد در دیدار جمعی از بانوان فرموده‌اند:

غریبه‌ها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آن‌ها به زن خیانت کردند... آنچه که غریبه‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده‌اند... فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سُست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>)

ج) ظلم به مستضعفین: از آنجایی که فرهنگ و تمدن غرب بر مبنای کسب سود و منفعت فردی دنیایی و در این راه هدف وسیله را برای آنان توجیه می‌کند، کشورهای اروپایی راه پیشرفت خود را در استفاده ارزان یا رایگان از منابع سایر ملت‌ها یافتند و از دیر باز مشغول غارت منابع کشورهای ضعیف‌تر بوده‌اند. نمونه‌های بسیاری از استعمارگری تمدن غرب در تاریخ وجود دارد که از جمله آنان استعمار شبه قاره هند توسط انگلیس‌هاست. رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشمندان هسته‌ای در این زمینه می‌فرماید:

یکی از بزرگترین جنایات‌هایی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگوئی. انگلیسها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملت‌ها. شما می‌دانید در دوران حاکمیت انگلیسها در شبه‌قاره، در این صحنه بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه شرق آسیا سالهای متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه اینها بوده و با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسانهایی نابود شدند، چه آرزوهایی نابود شد، چه ملت‌هایی عقب افتادند، چه کشورهای خراب شدند. () <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124>

۲.۳. کفران نعمت

قرآن کریم یکی دیگر از عوامل نابودی تمدن‌ها را کفران نعمت و ناسپاسی برمی‌شمرد. اگر مردمی که برخوردار از انواع نعمت‌ها هستند، قدر نعمت‌ها را نداند و به جای شکرگزاری، ناسپاسی کنند، در این هنگام باید منتظر نابودی و زوال نعمت باشند. به جهت عبرت آیندگان، سرنوشت قومی که به سبب کفران نعمت، دچار سختی و زوال نعمت شدند، در قرآن مثال زده شده است:

وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (النحل: ۱۱۲)؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود، روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و

خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آن چشانید.

همچنین در سوره ابراهیم می فرماید:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ (ابراهیم: ۲۸)؛ آیا به کسانی که

نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟

همان طور که بیان شد قوم ثمود دارای رفاه و نعمت های بسیاری بود. خانه هایی ایمن در دل کوه، زمین حاصلخیز، نخلستان، آب و کشاورزی پر رونق و جمعیت و اموال زیاد از جمله نعمت هایی بود که قوم ثمود داشتند. اما این ها باعث نشد دست از سرکشی و طغیان بردارند. خداوند متعال در سوره اعراف با یادآوری نعمت ها به قوم ثمود از آن ها می خواهد تا فساد نکنند:

فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الاعراف: ۷۴)؛ پس نعمتهای خدا را به یاد

آورید و در زمین سربه فساد برمدارید.

فرهنگ و تمدن غربی در عصر مدرنیته نقشی برای خداوند در عالم قائل نیست و همه پیشرفت هایش را حاصل زحمات و علم بشر می داند. واضح است که چنین دیدگاهی موجب ناسپاسی و کفران نعمت خواهد شد. قرآن کریم قارون را فردی با این بینش معرفی نموده است، آن جا که می گوید: این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام! و خداوند نیز در پاسخ می فرماید: آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟!

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً

وَ أَكْثَرُ جَمْعًا (القصص: ۷۸)

۳.۳. تکذیب فرستادگان الهی

یکی دیگر از عوامل تزلزل و سقوط تمدن ثمود که قرآن به آن اشاره کرده است، تکذیب پیامبرشان حضرت صالح ع، روی گردانی از دستورات وی و تکذیب آیه و معجزه خداوند است. مراد از تکذیب، نسبت دروغ دادن به کسی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۵/۳۴۷)

دعوت به یکتاپرستی و عمل به دستورات الهی یکی از رسالت‌های مهم حضرت صالح علیه السلام بود. این کار موقعیت مستکبرین و بزرگان دنیاپرست قوم ثمود را دچار چالش می‌کرد. آنان نیز جهت مقابله با این دعوت حق، اقدام به نسبت دروغ دادن به حضرت صالح علیه السلام و انکار معجزه وی کردند. این رفتار در نهایت سبب هلاکت و نابودی آنان شد. نکته قابل توجه این که این رفتار در اکثر اقوام عذاب شده تکرار شده است. خداوند در

سوره ابراهیم هنگام ذکر این عمل قبیح از قوم نوح، عاد و ثمود در کنار هم نام می‌برد:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي افْتَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (ابراهیم: ۹)؛ آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟ فرستادگان‌شان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را بر دهانهایشان نهادند و گفتند: «ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید کافریم، و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم.»

همچنین در سوره قمر می‌خوانیم:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالتَّنْدْرِ فَقَالُوا أَ بِشَرِّ مَنَا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ أَلْفَيْ الذُّكْرِ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (قمر: ۲۵ - ۲۳)؛ قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند و گفتند: «آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود. آیا از میان ما [وحی] براو القا شده است؟ بلکه او دروغگویی گستاخ است.»

گاهی نیز انکار و تکذیب خود را با زبان شک و تردید بیان می‌کردند. قوم ثمود، در پاسخ

به دعوت حضرت صالح علیه السلام به یکتاپرستی و ترک بت‌پرستی، این‌گونه پاسخ می‌دهند:

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَ تَنْهَيْنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (هود: ۶۲)؛ گفتند: «ای صالح، به راستی تو پیش از این، میان ما مایه امید بودی. آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز می‌داری؟ و بی‌گمان، ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانی سخت دچار شکیم.»

نکته قابل توجه این که در تکذیب و ایجاد شک و تردید، بزرگان و مستکبرین نقش

ویژه‌ای داشتند و سعی در ایجاد شک در مؤمنین نیز می‌کردند. در سوره اعراف می‌خوانیم:

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ
 قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الاعراف: ۷۶ - ۷۵)؛

اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟! «آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم.» متکبران گفتند: «ما به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم.»

نه فقط قوم ثمود، بلکه به اقوام متعددی می‌توان اشاره کرد که به علت تکذیب رسول الهی دچار عذاب گشته‌اند. بنابر این عذاب به دلیل تکذیب رسولان الهی را می‌توان از سنت‌های الهی برشمرد.

امروزه در غرب شاهد آن هستیم که نه تنها به پیامبر اسلام، بلکه حتی به خود حضرت مسیح که ادعای پیروی از ایشان را دارند، نیز توهین می‌شود و کتاب‌ها، اشعار، فیلم‌ها و.... بسیاری با مضمون تکذیب رسولان الهی در تمدن امروز غرب تولید می‌گردد. توهین به اسلام و پیامبر عظیم‌الشان به وسیله اقداماتی نظیر قرآن سوزی، کاریکاتور و فیلم‌های وهن‌آمیز نیز به دفعات از سوی معاندین غربی صورت گرفته است.

۴.۳. طغیان و سرکشی

واژه «طغیان»، مصدر از ماده «طغو»، «طغی»، به معنای تجاوز از حد متعارف، (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۷) به معنی تعدی از حد متعارف (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۷) تجاوز از حد در عصیان و نافرمانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۴) و تجاوز از حد با افراط و تفریط (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۶۵/۱۲) ذکر شده است. همچنین در معجم مقاییس اللغه، طغیان به معنای «تجاوز از حد در گناه و هو مجاوزه الحد فی العصیان» (ابن فارس: ۳/ ۴۱۲) آمده است. واژه «طغی»، با مشتقاتش در قرآن ۳۹ بار در معانی مختلفی به کار رفته است.

یکی از صفاتی که قوم ثمود بدان گرفتار شده بودند طغیان بود. در سوره فجر، از قوم ثمود در کنار فرعون نام بره شده است و هردو متصف به طغیان گردیده‌اند:

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (الفجر: ۱۳ - ۱۱)؛ آن‌ها در بلاد طغیان کردند و در آن‌ها به فساد در افزودند و پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سرشان فرود آورد.

همچنین در سوره نجم، به هلاکت اقوام عاد، ثمود و نوح اشاره می‌کند و قوم حضرت نوح را ظالم‌تر و طاغی‌تر از قوم عاد و ثمود بر می‌شمرد (قوم عاد و ثمود هم ظالم و طاغی بوده‌اند:

وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ وَ ثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ (النجم: ۵۲ - ۵۰)؛ و او هلاک کرد عاد اولی را و ثمود را که احدی از آن‌ها را باقی نگذاشت و قوم نوح را از پیش که آن‌ها از عاد و ثمود ظالم‌تر و طاغی‌تر بودند.

علت این که خداوند قوم نوح علیه السلام را ظالم‌تر و طاغی‌تر از آن دو معرفی می‌کند این است که پیامبرشان نوح علیه السلام در مدتی طولانی‌تر از تمام انبیاء به تبلیغ آنان پرداخت، با این حال جز تعداد کمی به دعوت او پاسخ نگفتند، و در شرک و بت پرستی و تکذیب و آزار نوح پافشاری و سرسختی فوق العاده‌ای داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۷۰) در آیه ۱۱ سوره شمس نیز علت تکذیب کردن حضرت صالح علیه السلام توسط قوم ثمود، طغیان آنان ذکر شده است و در آیات بعد نیز به توضیح و شرح این طغیان یعنی کشتن شتری که معجزه حضرت صالح بود، پرداخته شده است:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَىٰ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (الشمس: ۱۵ - ۱۱)؛ قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، آن گاه که شقی‌ترین آن‌ها بی‌خاست، و فرستاده الهی [صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!» ولی آن‌ها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند) از این رو پروردگارشان آن‌ها (و سرزمینشان) را به خاطر گناهانشان در هم کوبید و

با خاک یکسان و صاف کرد! و او هرگز از فرجام این کار [مجازات ستمگران] بیم ندارد. در مورد تمدن غرب نیز باید گفت که این فرهنگ علنا به مخالفت با حدود و احکام الهی رفته و با مطرح کردن لیبرالیسم و آزادی‌های بی‌قید و شرط تا کنون نتایج زیان بار اخلاقی بسیاری را از خود بر جای گذاشته است. فروپاشی نظام خانواده و گسست اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای این فرهنگ است. ساختارشکنی‌هایی مانند روابط جنسی خارج از چهارچوب، مقاربت با حیوانات، ازدواج با محارم، همجنسگرایی و... از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر در غرب رواج پیدا کرده است و گام به گام جامعه غربی را به سمت فروپاشی می‌برد. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند:

در دنیای غرب، بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل می‌شوند، زود هم منهدم می‌شوند. فساد و فحشاء روز به روز بیشتر می‌شود، اگر این اتفاق به طور کامل بیفتد، آن جامعه به بلیتات عظیمی دچار خواهد شد، البته این‌طور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف ۵ سال یا ۱۰ سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می‌کند، ثروت‌های علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین می‌برد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21430>)

نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش اشاره به فروپاشی غریب الوقوع تمدن غرب است که این امر با تطبیق با فروپاشی تمدن ثمود تبیین می‌گردد. تبیین این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که هیمنه و ابهت پوشالی تمدن غرب را در چشم حقیقت جویان از بین می‌برد و مؤمنان به وعده‌های الهی را به از بین رفتن این تمدن مبتنی بر ظلم امیدوار می‌سازد. با بررسی و مقایسه مدل رفتاری و اعتقادی قوم ثمود و تمدن غرب متوجه شباهت بین این دو خواهیم شد. یکی از علل فروپاشی تمدن ثمود که در این پژوهش به آن پرداخته شده است ظلم است. اگر ظلم در قوم ثمود و در محدوده جغرافیایی محدودی رواج پیدا کرده بود، ظلم‌های به مراتب عظیم‌تر و بزرگتری را تمدن غرب به واسطه قدرت علم و تکنولوژی در سراسر عالم مرتکب گشته است. علت بعدی فروپاشی قوم ثمود تکذیب فرستاده الهی بود. اگر قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام، پیامبرشان را تکذیب می‌کردند، تمدن غرب به واسطه سلطه فرهنگ مدرنیته و مادیگرایی، تمام رسولان الهی و ادیان توحیدی را در عمل تکذیب و به سخره گرفته‌اند. کفران نعمت یکی دیگر از عوامل فروپاشی تمدن ثمود بود که این عامل نیز امروزه با شدت بیشتری با نافرمانی الهی و نادیده انگاشتن نقش خداوند در عالم در غرب تکرار شده است. از آنجایی که سنت‌های الهی همواره ثابت و تغییرناپذیر هستند، با بررسی علل تزلزل و سقوط قوم ثمود و تطبیق آن‌ها بر تمدن غرب می‌توان به این نتیجه رسید که همان‌طور که قوم ثمود به واسطه برخی اعمال و کارهایشان - که در این تحقیق به برخی از آنان اشاره شد - متزلزل شده و نهایتاً با عذاب الهی از بین رفتند، تمدن غرب نیز با تکرار همان اعمال و رفتار گام در مسیر فروپاشی، نابودی و سقوط خود گذاشته است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، دمشق: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۳. پایدار، حبیب الله، حیات و مرگ تمدن‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶ش
۴. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir>
۵. خمینی (مصطفوی)، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: داودی، صفوان عدنان، دمشق: دارالشامیة، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۷. الزحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ق، چاپ دوم.
۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تصحیح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چاپ سوم.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم.
۱۰. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۳۸۴ش، چاپ اول.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق. چاپ چهارم.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش، چاپ اول.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۸۶ش، چاپ اول
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، چاپ اول.
۱۵. موسی، محمد عزب، دراسات اسلامية فی التفسیر و التاريخ، بیروت: ۱۹۸۰م
۱۶. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تصحیح: حکمت، علی اصغر، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش، چاپ پنجم.